

مستندات تاریخی - روایی نوانمایش «آتش زبانه کشید!»

(۱) آری اما بدنه ی سپاهشان انگیزه ی چندانی برای جنگ ندارند ... اول اینکه هم زبان شما هستند و دوم اینکه میان سران ایرانی سپاه اختلافات شدیدی وجود دارد.... سربازان عرب هم اصلا دل خوشی از آنان ندارند.

مستندات این عبارت، در مدخل «حمله اعراب به ایران» در دانشنامه آزاد ویکی پدیا به تفصیل ارائه شده.

(۲) آنگاه عیسی فرمود: اما آرامش دل من، آمدن پیامبری است که آئین او جهان را فرا خواهد گرفت. دین او را هیچ نهایتی نیست. زیرا که خداوند آن را حفظ خواهد فرمود. ... ورق بزن... فصل نود و هفت آیه ی چهارده را بخوان.

انجیل برنابا، ترجمه حیدر قلیخان قزلباش سردار کابلی، دفتر نشر الکتاب بهار ۶۲، فصل نود و هفت آیات، ۱۴، ۱۸، ۱۹.

(۳) ای شجر، ای کلوخ، ای خاک ... سلام محمد رسول خدا، بر شما. لال شوم اگر دروغ بگویم ... و چیزی نگذشت که کوه و دشت به لرزه درآمد و از هر درخت و ریگ و خاک آن بیابان فریاد برآمد: سلام ما بر محمد رسول خدا و بر تو ...

آن مرد آسمانی چه کسی بود؟ او علی بود ... برادر، وصی و نزدیک ترین مردم به رسول خدا ... بعد از آن واقعه ... او به بهترین و عادلانه ترین حالتی که دیده بودم گره از مشکل آن مردمان باز کرد و آن فتنه را فرو نشاند

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْمَعْرُوفِ بِعَزَائِلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الْجُرْجَانِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَحْمَدَ السَّلْمَانِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: دَعَانِي رَسُولُ اللَّهِ ص فَوَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ لِأَصْلِحَ بَيْنَهُمْ فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ع إِنَّهُمْ قَوْمٌ كَثِيرٌ وَأَنَا شَابٌّ حَدَّثَ فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ ع إِذَا صِرْتَ بِأَعْلَى عَقْبَةِ فَيْقٍ فَنَادِ بِأَعْلَى صَوْتِكَ يَا شَجَرَ يَا مَدْرُ يَا ثَرَى مُحَمَّدَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُقَرِّئُكُمُ السَّلَامَ قَالَ فَذَهَبْتُ فَلَمَّا صِرْتُ بِأَعْلَى عَقْبَةِ فَيْقٍ أَشْرَفْتُ عَلَى الْيَمَنِ فَإِذَا هُمْ بِأَسْرِهِمْ مُقْبِلُونَ نَحْوِي مُشْرِعُونَ أَسْنَتَهُمْ مُتَنَكِّبُونَ قِسِيَهُمْ شَاهِرُونَ سِلَاحَهُمْ فَنَادَيْتُ بِأَعْلَى صَوْتِي يَا شَجَرَ يَا مَدْرُ يَا ثَرَى مُحَمَّدَ ص يُقَرِّئُكُمُ السَّلَامَ قَالَ فَلَمْ يَبْقَ شَجْرَةٌ وَلَا مَدْرَةٌ وَلَا ثَرَى إِلَّا ارْتَجَّتْ بِصَوْتِ وَاحِدٍ وَعَلَى مُحَمَّدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عَلَيْكَ السَّلَامَ فَاضْطَرَبَتْ قَوَائِمُ الْقَوْمِ وَ ارْتَعَدَتْ رُكْبَتُهُمْ وَ وَقَعَ السَّلَاحُ مِنْ أَيْدِيهِمْ وَ أَقْبَلُوا مُسْرِعِينَ فَأَصْلَحَتْ بَيْنَهُمْ وَ انْصَرَفْتُ.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص: ۵۰۱، ح ۲

(۴) در آن سفر که جمع کثیری از مسلمین پیامبر را همراهی می کردند، رویدادی بس شگرف رخ داد... رسول خدا همگان را در میان صحرا به مدت سه روز نگاه داشت تا علی را به عنوان جانشین بعد از خود از جانب خداوند معرفی کند ...

الكافي (الاسلاميه)، ج ۸، ص: ۲۷

(۵) خالد: علی باید برای بیعت با خلیفه ی مسلمین به مسجد بیاید
سلمان: بانو داغ دیده از فراق پدر... رنجور از عهد شکنی مردمانی نامرد... آن زمان که آن بدمست نحس ... آمد که جهنم را پشت در بهشت بیاورد ... گل سرسبد بهشت آمد تمام قد به دفاع از علی
پسر خطاب: هه ... او است مردی که به غیرتش می نازید همه؟ ... حال خود در خانه نشسته ، زن پا به ماهش را فرستاده؟
سلمان: لال شو ... دخت رسول خدا اگر آمده.. حجت را بر تو و بر همه تمام کرده تا همه ببینند چون تویی مقابل چون منی ایستاده...

فَخَرَجَتْ فَاطِمَةٌ فَوَقَفَتْ مِنْ وَرَاءِ الْبَابِ، فَقَالَتْ: أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ! مَاذَا تَقُولُونَ؟ وَ أَى شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟. فَقُلْتُ: يَا فَاطِمَةُ! فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: مَا تَشَاءُ يَا عُمَرُ؟! فَقُلْتُ: مَا بَالُ ابْنِ عَمِّكَ قَدْ أوردَكَ لِلْجَوَابِ وَ جَلَسَ مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ؟. فَقَالَتْ لِي:

طُعْيَانُكَ - يَا شَقِيٌّ - أَخْرَجَنِي وَ أَلْزَمَكَ الْحُجَّةَ، وَ كُلَّ ضَالٍّ غَوِي. فَقُلْتُ: دَعِيَ عَنكَ الْأَبَاطِيلَ وَ أَسَاطِيرَ النِّسَاءِ وَ قَوْلِي لِعَلِيٍّ يَخْرُجُ. فَقَالَتْ: لَا حُبَّ وَ لَا كَرَامَةَ أِبْحَزْبِ الشَّيْطَانِ تُخَوِّفَنِي يَا عُمَرُ؟! وَ كَانَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ضَعِيفًا. فَقُلْتُ: إِنَّ لَمْ يَخْرُجْ جِئْتُ بِالْحَطَبِ الْجَزَلِ وَ أضرَمْتُهَا نَارًا عَلَى أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ وَ أَحْرَقُ مَنْ فِيهِ، أَوْ يُقَادَ عَلَيَّ إِلَى الْبَيْعَةِ، وَ أَخَذْتُ سَوْطًا فَنَفَذْتُ فَضْرَبْتُ

بحار الأنوار (بيروت)، ج ۳۰، ص: ۲۹۳

(۶) پسر خطاب: پس چرا ایستاده اید؟ ...
خالد: نمی توانیم ... فاطمه آنچنان علی را چسبیده که توان برداشتن قدم از قدمی نداریم.
پسر خطاب: پس چرا معطلید؟ ... فاطمه را بزنیید ... خالد با تازیانه ... قنفذ با غلاف شمشیر... آنقدر او را بزنیید تا از علی دست بر کشد...

وَ قَدْ كَانَ قُنْفُذٌ لَعَنَهُ اللَّهُ ضَرَبَ فَاطِمَةَ عِ بِالسَّوْطِ حِينَ حَالَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجِهَا وَ أَرْسَلَ إِلَيْهِ عُمَرُ إِنْ حَالَتْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فَاطِمَةَ فَاضْرِبْهَا فَالْجَاهُ قُنْفُذٌ لَعَنَهُ اللَّهُ إِلَى عِضَادَةِ بَابِ بَيْتِهَا وَ دَفَعَهَا فَكَسَرَ ضِلْعَهَا مِنْ جَنْبِهَا فَأَلْقَتْ جَنِيناً مِنْ بَطْنِهَا فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةً فِرَاشٍ حَتَّى مَاتَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً

کتاب سلیم بن قیس الہلالی، ج ۲، ص: ۵۸۸

(۷) به خدا قسم که مولایم علی هرگز اینان را برای این لشکر کشی های ظالمانه همراهی نکرده.

مسلماً مشورت‌های آن حضرت در جهت مصالح عمومی بوده است و قطعاً آن حضرت به ظلم راضی نبوده‌اند.

آن علی علیه السلام که از ظلم به یک زن یهودی می‌فرماید اگر مردی از غم این حادثه بمیرد جای ملامت بر او نیست چگونه ممکن است این فتوحات ظالمانه را تایید کنند!؟

نهج البلاغه خطبه ۲۷

(۸) سلمان: زانوان استوارش را ببین ... اما از او نپرس از آن لحظه که لرزه در آن ها افتاد وقتی که صورت مظلومه اش را بروی خاک گذاشت و خواست از مزارش برخیزد ... از آن شبی که انقدر تاریک بود که ماه علی به دل خاک رفت و حتی آسمان هم نفهمید ... از آن همه سکوت که فریادش را کسی نشنید ... و از آن شکوها نپرس که او به برادرش می گفت وقتی که امانتش را اینگونه به او پس می داد ... شبانه ... مخفیانه ...

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ: لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ ع دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سِرًّا وَ عَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِثَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قُلِّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ عَفَا عَن سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلَّدِي إِلَّا أَنْ لِي فِي التَّأْسِي بِسِنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزُّ فَلَقَدْ وَسَدَّتْكَ فِي مَلْحُودَةٍ قَبْرِكَ وَ فَاضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْرِي وَ صَدْرِي بَلَى وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لِي أَنْعَمُ الْقَبُولِ - إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ قَدْ اسْتَرْجَعَتِ الْوُدَيْعَةُ وَ أَخَذَتِ الرَّهِيْنَةَ وَ أَخْلَسَتِ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءُ وَ الْعَبْرَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا حَزَنِي فَسَرَمَدٌ وَ أَمَا لِيْلِي فَمُسَهَّدٌ وَ هُمْ لَا يَبْرَحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ أَلْتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ كَمَا مَقِيحٌ وَ هُمْ مَهِيحٌ سَرَعَانَ مَا فَارَقَ بَيْنَنَا وَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو وَ سَتُنْبِئُكَ ابْنَتُكَ بِتَطَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَاحْفَهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ ...

الكافي (الإسلاميه)، ج ۱، ص: ۴۵۹